



دولت کارآمد متعالیه، دولت پیشرفت

پدیدآورنده (ها) : صدرا، علیرضا

علوم اجتماعی :: نشریه علوم انسانی اسلامی صدرا :: تابستان ۱۴۰۱ - شماره ۴۱

صفحات : از ۱۴۱ تا ۱۵۵

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2020139>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- تصویرپردازی از دولت شیشه‌ای در راستای ارتقاء رضایتمندی، شفافیت و پیشرفت دستگاه‌های اجرایی دولتی
- حمایت هوشمند و پیشرفت اقتصادی؛ الگویی پویا برای رابطه دولت و بازار
- برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری توسعه صنعت گردشگری بر پایه ایفای نقش ستون‌های دولت محلی کارآمد در ایران
- از سیاست‌های کلی وزارت کار و امور اجتماعی در دولت دهم، استفاده کارآمد از تسهیلات اشتغال‌زایی
- مناطق و توسعه: بر اساس گزارش عملکرد مصوبات سفرهای استانی هیأت دولت پروژه‌های آذربایجان شرقی بیش از ۷۷ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است
- پیشرفت ایرانی-اسلامی و رابطه دولت و ملت در ایران؛ بررسی مفهوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی
- عناصر موثر بر شکل‌گیری دولت محلی کارآمد در ایران
- نقش استراتژیک دولت محلی در تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
- ماهیت رابطه دولت-ملت در الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت
- «کفالت عمومی» و «ضمانت دولت اسلامی» الگوی اسلامی پیشرفت جامعه برقراری عدالت اجتماعی



دولت کارآمد متعالیه، دولت پیشرفت

گفت و گو با مرحوم دکتر علیرضا صدرا

مرحوم دکتر علیرضا صدرا در تاریخ ۴ آبان ماه ۱۴۰۱ دعوت حق را لبیک گفت؛ از خداوند متعال علو درجات را برای ایشان خواستاریم (این گفت و گو در زمان حیات ایشان صورت پذیرفته). مرحوم دکتر علیرضا صدرا دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس و دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران است. بعضی از آثار وی عبارت‌اند از:

کتاب‌ها: خوانش سیاسی متون حکمت متعالیه؛ اسباب مدنی در حکمت سیاسی متعالی امام خمینی (ره)؛ حکمت سیاسی اسلامی، مفاهیم بنیادین؛ گرایش فلسفی سیاسی در تاریخ و جهان اسلام و ایران. مقالات: چالش دولت‌سازی اسلامی کارآمد در گام دوم انقلاب اسلامی (چرایی، چیستی، چگونگی)؛ حکمروایی؛ گفت‌وگو با حکمت مدنی متعالی؛ چرایی، چیستی و چگونگی؛ ظرفیت فلسفه سیاسی و متعالی و حکمت محض و اجتماعی علامه طباطبایی. دکتر علیرضا صدرا در این گفت و گو برای دقت‌های نظری دولت‌تتمیر (تعبیر خود او درباره دولت کارآمد) شواهد و گزاره‌هایی مبنایی از حکمت فاضلی (فارابی) تا حکمت متعالی بیان می‌کند. او پس از تدارک این مبنای به‌سراغ امروز و ساختار نظام اسلامی آمده و معتقد است نظام در مواردی، مانند مقاومت، دفاع مقدس و جهاد، موفق عمل کرده است، اما در عین حال بزرگ‌ترین چالش جمهوری اسلامی چالش کارآمدی است. ضمن اینکه وی تعریفی، متنوع و دقیق از کارآمدی ارائه می‌دهد که موارد یا مفاهیمی چون نتیجه‌بخشی و اثربخشی را در بر می‌گیرد. از سوی دیگر، کارآمدی را به‌منزله فرایند (نه صرفاً فرآورده) مطرح می‌کند و بر این اساس، آن را «علت موجد پیشرفت» می‌خواند.



از منظر حکمت سیاسی متعالیه چه تعریفی می‌توان از «کارآمدی متعالیه» و «دولت‌سازی کارآمد» داشت؟ متون حکمت سیاسی صدرایی و پیشاصدرایی چه ظرفیت‌هایی برای ارائه نظریه و الگوی دولت متعالیه کارآمد دارند؟

ابتدا دو نکته را به‌عنوان مقدمه عرض می‌کنم و سپس به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهم؛ نخست اینکه به‌تعبیر فارابی، فلسفه و حکمت نظری و محض بدون فلسفه عملی و مدنی ناقص است.^۱ نصیرالدین طوسی در سیاست مدنی اخلاق ناصری می‌گوید: «حکمت مدنی، و آن این علم است که مقاله مشتمل بر اوست، نظر بود در قوانینی کلی که مقتضی مصلحت عموم بود؛ از آن جهت که به تعاون متوجه باشند به کمال حقیقی».^۲ «و چون حکمت در مدینه متعارف باشد و ناموس حق مقتدا، نظام حاصل بود و توجه به کمال موجود».^۳ کمال به‌معنای رسایی و سازواری و ایجادکننده کارآمدی، بهره‌روی و اثربخشی است؛ «اما اگر حکمت مفارقت کند، خذلان به ناموس (شریعت و دیانت) راه یابد و چون خذلان به ناموس راه یابد، زینت ملک برود و فتنه پدید آید و رسوم مروت مندرس شود و نعمت به نعمت بدل گردد».^۴ سخن نصیرالدین طوسی به زبان امروزی این است که در صورت نبودن حکمت، مردم‌سالاری به عوام‌سالاری، آزادی به بی‌بندوباری و تبعیض، عدالت به توزیع فقر، کمال به نقص، کارآمدی (کمال) به ناکارآمدی (نداشتن بهره‌وری بهینه و نبودن اثربخشی بسامان) بدل می‌شود.

در حکمت، به‌ویژه حکمت متعالیه که معطوف به امور مدنی (اجتماعی و سیاسی) است، پدیده‌هایی همچون نظام سیاسی و دولت دارای مراتب سه‌گانه عینی و علمی‌اند؛ این سه مرتبه عبارت‌اند از:

۱. چرایی (هستی و هستی‌شناسی)؛^۲ چپستی و چپستی‌شناسی؛^۳ چگونگی و چگونگی‌شناسی دولت. این مراتب در بردارنده حقیقت (چرایی)، ماهیت (چپستی) و واقعیت (چگونگی) دولت است.

مقدمه دوم، متفکر، مدنی و مختار بودن انسان در گفتن حکمت متعالیه است. انسان با اراده و تدبیر و تلاش فردی، جمعی و اجتماعی خود در پی گذار از معیشت و زندگی یا زیست‌مدنی به تعیش و به‌زیست‌مدنی، یعنی

زندگانی اجتماعی و سیاسی است؛ الف) در گفتمان مبدأ و معاد کتاب المبدأ و المعاد که از کلام وام گرفته است، سیر زندگانی و کمال از آغاز تا انجام زندگانی مدنی ضمن دو فن ربوبیات و تربیت معاد یا متعالی ترسیم و تحقق می‌پذیرد. ب) کارآمدی به‌معنای بهره‌وری و اثربخشی است و کارآمدی در حکمت متعالیه رویکرد متعالیه دارد. بهره‌وری و اثربخشی در دو ساحت مادی و معنوی و باطنی (ارزشی، بینشی و منشی درونی) و ظاهری (کنشی و رفتاری بیرونی) مطرح است و چند ویژگی دارد:

۱. در بردارنده توسعه اقتصادی و تأمین آسایش همگانی در حوزه رفع نیازهای جسمانی بدنی است؛^۲ تأمین‌کننده تعادل اجتماعی و سیاسی است؛^۳ در جهت تعالی فرهنگی، معنوی و اخلاقی و تضمین‌کننده آرامش باطنی، روحی و روحانی است.

درباره ظرفیت متون حکمت‌سیاسی صدرایی و حکمت‌های پیش از آن جهت ارائه نظریه و الگوی دولت متعالی کارآمد، گفتنی است از حیث مبانی معرفت‌شناختی، قرآن و سنت پشتوانه و پایه آن است و چون رویکرد حکمی دارد، انسان را به حقیقت می‌رساند و یقین‌آور است که در نتیجه، توحیدی خواهد بود. از نظر مبانی هستی‌شناختی همه هستی چون نور خصلت تشکیکی و اشتدادی دارد و همه مراتب هستی، از مطلق هستی تا هستی مطلق، ذات متعالی را در بر می‌گیرد که در نتیجه، این حکمت متعالیه است. حکمت مدنی نیز شامل کمال انسانی و زیست اجتماعی و سیاسی تا انسان کامل و به‌زیست اجتماعی و سیاسی کامل حضرت مهدی (عج) است که در نتیجه، حکمت مدنی، متعالی است. حکمت متعالی مدنی مرحله تجمیع مشرب‌های حکمی پیشین در سیر متکامل و پلکانی حکمت توحیدی متعالی است.

متون حکمت محض و مدنی فاضلی فارابی، محیی حکمت جاویدان شرقی و ایرانی و جامع عقلائییت، دیانت و سیاست و نقطه مقابل جاهلیت بسیط و مرکب است. ملاصدرا بارها از حکمت جاویدان شرقی و ایرانی به‌عنوان حکمت فلهوی، پارس، خسروانی و... یاد می‌کند. او احیا کننده حکمت راستین یونانی در مقابل سوفیسم سیاسی است. تفسیر علم و حکمت مدنی توحید، اسلام (قرآن و سنت) است. بنیاد حکمت عقلی-برهانی، مثالی‌سنینی

**سخن نصیرالدین طوسی به زبان
امروزی این است که در صورت نبودن
حکمت، مردم سالاری به عوام سالاری،
آزادی به بی بندوباری و تبعیض، عدالت
به توزیع فقر، کمال به نقص، کارآمدی
(کمال) به ناکارآمدی (نداشتن)
بهره‌وری بهینه و نبودن اثربخشی
بسامان بدل می‌شود.**

و قلبی شهودی و قلبی اشراقی سهروردی تا حکمت مدنی
تقریبی خواجه نصیر است. گفتنی است همه این مکاتب،
به‌ویژه شرح اشارات که ملاصدرا در حکمت نظری خود
بسیار از آن تأثیر پذیر بوده تا سیاست مدن اخلاق ناصری
که خود از فارابی الهام گرفته (و ملاصدرا از فلسفه سیاسی
فارابی بسیار بهره جسته و به بازآمدی و روزآمدسازی آن
پرداخته است)، جملگی پیشینه و پله پیشانظریه و الگوی
دولت متعالی کارآمد هستند.

**پس از بیان تفاوت کارآمدی، کارایی،
اثربخشی و بهره‌وری، کارآمدی به‌مثابه
ارزشی برای دولت متعالیه چه نسبت و تمایزی با
سایر ارزش‌ها همچون عدالت، آزادی، امنیت و
پیشرفت دارد؟**

کارایی به‌معنای بهره‌وری و اثربخشی نیروهای سیاسی یا
بهره‌وری و اثربخشی سیاسی نیروهاست. گروهی کارایی را
اثربخشی تعبیر کرده‌اند که دقیق نیست. بهره‌وری خصلت
عام دارد و ریاست دولت یارهدری سیاسی (خواه شخصیت
حقیقی و خواه شخصیت حقوقی آن)، مدیریت‌های میانی،
اجزای ستادی، نیروهای صنفی میدانی و کارکنان و نیروهای
خدمت‌مندی در ساختار اداری و اجرایی نظام سیاسی کشور را
شامل می‌شود.

منظور از کارآمدی، بهره‌وری و اثربخشی نهادهایی مانند
دولت و نظام سیاسی است. بهره‌وری یا بازدهی یعنی نسبت
هزینه‌ها و ورودی (In Put) به درآمد و خروجی (Out
Put) باشد. مقصود از اثربخشی، نتیجه‌بخشی است.
درباره رابطه، نسبت و تمایز کارآمدی دولت با سایر ارزش‌ها
باید گفت کارآمدی، علت موجهه پیشرفت است. پیشرفت،
فراگیر عدالت و آزادی است. متقابلاً عدالت و آزادی،
پیشرفت برتر را ایجاد می‌کند و پیشرفت برتر نیز کارآمدی
فراتر را می‌طلبد.

**بنابراین دولت کارآمد متعالیه، دولتی
است که سایر ارزش‌ها همچون عدالت،
آزادی، امنیت، مردم سالاری و پیشرفت را تحصیل
کرده باشد.**

(ذات نایافته از هستی بخش/ چون تواند که بود

هستی بخش؟»^۵

طبق قاعده فلسفی «معطی شیء باید واجد شیء باشد و
نمی‌تواند فاقد شیء باشد»، دولت پیشرو دولتی دوساحتی،
دو بُعدی، متعادل و متعالی است؛ این دولت می‌تواند
پیشرفت دوساحتی مادی و معنوی و دو بُعدی باطنی و
ظاهری متعادل و متعالی ایجاد کند و در واقع تعادل بخش
و تعالی بخش باشد. سایر ارزش‌ها نیز چنین است. دولت
آزاد و آزاده می‌تواند و می‌خواهد که آزادی و آزادگی را تأمین و
تقویت کند و گسترش دهد؛ زیرا «از کوزه همان برون تراود
که در اوست». به تعبیر قرآن: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ»^۶
(اسراء: ۸۴). و به تمثیل مولوی: «هرکسی بر خلقت خود
می‌تند».^۷

اهم صفات و ویژگی‌های اول رئیس و دوم رئیس، به‌مثابه
ریاست دولت مؤسس، با ویژگی‌های رئیس اول و دوم، یعنی
دولت تابع، در کتاب المبدأ و المعاد بیانگر همین مطالب
است. دولت سبب فاعلی قریب، اقرب و مباشر بوده و باید
واجد شایسته آن‌ها باشد. این چنین دولت متعالی کارآمد



و پیشرو و چنین کارآمدی و پیشرفتی از نوع متعالی است.

پیشرفت، توسعه، تعادل، تعالی، کمال، رسایی و سازواری وجود دارد از این هاست. این ها علت و عین کمال و کارآمدی اند. به هر میزان که دولت و نظام سیاسی مبتنی بر اسمای الهی باشد، دولت و سیاست اسمایی در اوج کارآمدی خواهد بود.

اگر دولت مظهر اسم «الرحمن و الرحیم» باشد، رسا و سازوار خواهد بود. دولت و سیاست رحمانی و رحیمی، یعنی رحمت رحمانیت و بسط نعمت با توسعه برای صالح و طالح در دنیا و رحمت رحیمیه و اکمال نعمت با تعالی فرهنگی، معنوی و اخلاقی برای مؤمنان در دنیا و آخرت داشته باشد. دولت و سیاستی که مظهر ربوبیت الهی باشد، پروردگار جامعه و نظام سیاسی و پیشرفت است. چنان که به تصریح امام صادق (ع) به مفضل: «دولت، همانند باغبان، زمین مستعد را شخم زده و آماده سازی کرده، بذر خوب انتخاب کرده و می کارد، آب و کود و هوا و نور بدان می رساند. مواظبت می کند لگدمال نشود. گیاه می روید و بارور و بهره ور می گردد».^{۱۱} این دولت و سیاست به تعبیر امام خمینی (ره) مربی، معلم و مدیر است. سایر اسماء جلال و جمال نیز همین طور است. دولت نیز باید رفیق، شفیق، شافی، وافی، کافی، جبار (جبران کننده و شکسته بند)، قوی،

آیا می توان گفت همان طور که ذات باری تعالی و اسم جلاله «الله» در حوزه حکمت نظری جامع جمیع کمالات و اوصاف جمالیه و جلالیه است، در حوزه حکمت عملی نیز «اسلام ناب» و «ایمان بالله» ضامن کارآمدی متعالی دولت است؟ و آیا به میزانی که رهبران و شهروندان نظام سیاسی از عنصر ایمان و باورهای متعالی تهی باشند، به همان میزان مبتلا به ناکارآمدی می شوند؟

«وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا»^{۱۲} (اعراف: ۱۸۰). به قول مولوی: «شاه را باید که باشد خوی رب/رحمت او سبق دارد بر غضب».^{۱۳}

اسماء حسناى جلال و جمال و صفات کمال، تجلی ذات و شالوده ها و شاخصه های نظام جهان هستی، آفرینش و انسان اند. چنان که به تعبیر ملاصدرا حتی «حکمت، اقتدا به آفریدگار متعالی در سیاستش است».^{۱۴} این همان تشبیه به خدا و خدای گونگی و تخلق به اخلاق الهی به قدر طاق بشری است. هر چه کارآمدی، بهره وری، اثربخشی،

دولت و سیاستی که مظهر ربوبیت الهی باشد، پروردگار جامعه و نظام سیاسی و پیشرفت است. چنان که به تصریح امام صادق (ع) به مفضل: «دولت، همانند باغبان، زمین مستعد را شخم زده و آماده‌سازی کرده، بذر خوب انتخاب کرده و می‌کارد، آب و کود و هوا و نور بدان می‌رساند. مواظبت می‌کند لگدمال نشود. گیاه می‌روید و بارور و بهره‌ور می‌گردد».^{۱۱} این دولت و سیاست به تعبیر امام خمینی (ره) مربی، معلم و مدیر است.


دوم اینکه کارآمدی مدرنیسمی تک‌ساحتی و تنازعی است. الف) کارآمدی دولت لیبرالیسمی، کارپردازی حداقلی سرمایه‌سالاری است؛ ب) کارآمدی دولت سوسیالیسمی، کارگزینی حداکثری و دولت‌سالاری فراگیر است. در این رویکرد دولت مالک، کارفرما و پیمانکار است.

سوم اینکه کارآمدی دولت متعالی شئون گوناگونی همچون هدایت، ولایت، امامت (راهنمایی، سرپرستی و راهبری)، تعلیم، تربیت و مدیریت دارد و سه کارکرد مهندسی، مدیریت و آسیب‌زدایی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی داخلی و خارجی را عهده‌دار است. در این رویکرد دولت موظف به هدایت، سرپرستی، راهبری، نهادسازی، نظام‌سازی، بسیج، سازمان‌دهی، پیشبرد، پایش و بازمهندسی (مهندسی مجدد، مکرر و مستمر) امور عمومی کشور است.


از نظر حکمت‌صداری، چه شاخص‌هایی را می‌توان برای «دولت متعالیه کارآمد» برشمرد؟

شاخصه‌های دولت متعالی کارآمد از نظر حکمت متعالی عبارت‌اند از:
۱. نقش دولت راهبردی است و ریاست به معنای راهنمایی

قادر، مقتدر، رئوف، حکیم، علیم، خبیر، حسیب (حسابگر و حساب‌شده)، سریع حساب، شدیدعقاب، عادل، رازق یا رزاق، قاضی حاجات، ناظر و... باشد. دولت به هر اندازه که مظهر اسماء حسناى جلالی و جمالی باشد، در همان مورد و به همان نسبت، کارآمد و پیشرو می‌شود.

 با توجه به مبانی حکمت متعالیه، کارآمدی دولت شامل کدام‌یک از حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، دفاعی و... می‌شود و کارآمدی دولت در کدام حوزه‌ها بر دیگر بخش‌ها تقدم دارد؟

دولت کارگزار سیاسی عمومی، یعنی ترسیم‌کننده و اعمال‌کننده سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داخلی و خارجی است. بنابراین کارآمدی دولت منوط به سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها در تمامی حوزه‌های پیش گفته است.

 ضمن تبیین الگوهای دولت کارآمد لیبرالی و سوسیالیستی، بفرمایید که دولت کارآمد متعالیه در حوزه نظر و عمل چه تشابه‌ها، تمایزها و امتیازهایی نسبت به دولت کارآمد متدانیه دارد؟

یکم اینکه کارآمدی دولت متعالی، فرماندهی راهبردی و فرابردی است. چنین دولتی برخوردار از کارگزاری دوساحتی مادی و معنوی و دو بُعدی باطنی و ظاهری، متعادل و متعالی (تعادل بخش و تعالی بخش مدنی) است. دولت در این نگاه نهادی در ردیف نهاد‌های دیگر اقتصادی، سیاسی و حتی سیاسی مثل یک حزب سیاسی نیست؛ بلکه هستی فرماندهی است و فرمانده راهبردی یعنی راهنمایی و راهبری جامعه را عهده‌دار است، برآمده از بنیاد فطرت انسانی بوده و جامع بخش‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است، فراگیر گستره‌های فردی، جمعی و اجتماعی فراملی، ملی (داخلی و خارجی) تا فراملی است و به‌صورت نظام‌مند، سازوار و همگن است. این دولت خصلتی فرماندهی و فرابردی^{۱۲} دارد. پیشبرد و فرابردن از زیست مدنی وضعیت موجود در زمان حال به‌سوی به‌زیست مدنی وضعیت متناسب و مطلوب در زمان آینده است.

و راهبری است.

۲. کارویژه دولت کارگذاری سیاسی است.

۳. کارکردهای دوگانه دولت: الف) سیاست‌گذاری، ب) سیاست‌مداری؛ یعنی عهده‌دار ترسیم سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داخلی و خارجی و اعمال آن‌هاست.

۴. شئون سه‌گانه دولت: الف) مهندسی سیاسی؛ یعنی نهادسازی و نظام‌سازی از قانون‌گذاری و سنت‌گذاری تا اجرایی‌سازی قوانین و سنت‌ها. ب) مدیریت سیاسی؛ یعنی بسیج منابع مادی و معنوی و سرمایه‌انسانی بالفعل و بالقوه داخلی و خارجی؛ پیشبرد جامعه و کشور؛ نظارت و کنترل یا پایش. ج) آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی (پاتولوژی) سیاسی و بازمهندسی (مهندسی مجدد، مکرر و مستمر) سیاسی.

۵. مدل دولت: دولت معمار پیشرفت کشور است.

جامعه نیز فراگیر سه جماعت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است.

جامعه از همکاری، تقسیم‌کار و تبادل کالایی، کاری و خدماتی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گروه‌های مدنی سه‌گانه متشکل می‌شود. در این میان افراد، انسانی و خانواده‌ها، جماعت‌ها یا گروه‌های مدنی سه‌گانه، نظام مدنی و دولت را تأسیس می‌کنند. فرد و افراد، سبب فاعلی و سبب مادی خانواده، گروه مدنی، جامعه، نظام سیاسی و دولت‌اند. به ترتیب خانواده، گروه مدنی و جامعه سبب صوری ساختاری و سبب غایی فرد، خانواده و گروه مدنی هستند. نظام مدنی و سیاسی و دولت نیز سبب صوری راهبردی فرد، خانواده، گروه‌های مدنی و جامعه‌اند. در این نگاه فرد و افراد، نقش، اصالت و حق فردی فاعلی و مادی دارند. خانواده نیز نقش، اصالت و حق جمعی صوری ساختاری و غایی نسبت به فرد و افراد، همچنین نقش، اصالت و حق و سبب فاعلی و مادی نسبت به گروه‌های مدنی دارد. همین‌طور جامعه نسبت به افراد، خانواده‌ها و گروه‌های مدنی، نقش، اصالت و حق اجتماعی و عمومی ساختاری صوری و غایی دارد.

بدین ترتیب برخلاف اصالت و حق فرد یا جامعه در دو شاخه متعارض اندیودوآلیسم یا لیبرالیسم و سوسیالیسم یا کمونیسم مارکسیسم مدرنیسم و اخیراً مکتب سومی‌ها و پست‌مدرنیسم‌های خوش‌بین (همانند آنتونی گیدنز که به تکنوکراسی و التقاط و درهمی فرد و جامعه گرایش دارند) یا جماعت‌گرایان، در نگاه توحیدی متعالی، هم فرد و هم خانواده، هم گروه‌های مدنی و هم جامعه، هم نظام سیاسی و هم دولت، هر یک نقش و اصالت و حق فاعلی مادی و حق صوری غایی ویژه خود را دارند؛ مانند چشم، گوش، بینی، ذائقه، شامه و لامسه که هر یک نقش و کارویژه خود را دارند و قابل جایگزینی نیز نیستند، بلکه لازم و ملزوم، مکمل، هم‌بسته و هم‌افزا هستند.

خانواده در سیر پیوستار نقش، اصالت و حق و حقوق فاعلی مادی و صوری غایی فرد، خانواده، گروه‌های مدنی، جامعه، نظام مدنی، دولت و نیز حاکمیت، حکومت، قدرت و اقتدار و سیاست قرار دارد و ایفای نقش می‌کند.

به نقش معماری دولت متعالیه اشاره کردید. به نظر شما نهاد خانواده، احزاب

سیاسی و سازمان‌های مردم‌نهاد چه نقشی در کارآمدی دولت متعالیه دارند؟

انسان در حکمت فاضلی تا متعالی، سیاست‌گذار و به عبارتی سیاست‌مدار و سیاست‌پذیر است. او فاعل سیاست و در عین حال قابل سیاست است. به اصطلاح هم سوژه سیاست است و هم ایزه سیاست. جامعه‌ساز و جامعه‌پذیر است. خدا جهان و انسان را آفریده و انسان جامعه و نظام سیاسی را می‌سازد. در این فرایند افراد انسانی، جماعت‌های مدنی را با اندیشه، انگیزه، اراده و تدبیر خود تأسیس می‌کنند و خودشان عضو آن هستند. جماعت مدنی، اجتماع مدنی ناقص است و به تنهایی نمی‌تواند، حداقل آن‌گونه که بایسته است، دوام بیاورد و آن‌گونه که شایسته است، کمال یابد؛ جامعه، اجتماع مدنی کامل و در حد شهرستان، ملت، امت تا جامعه جهانی است.


جماعت مدنی اعم از خانواده به‌مثابه دورزادترین، دیرپاترین و کوچک‌ترین جماعت مدنی و نهاد مدنی و نیز گروه‌های مدنی سه‌گانه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. همان‌گونه که چندین زن یا چندین مرد، هر چند در یک خانه زندگی کنند، خانواده محسوب نمی‌شوند؛ ولی یک مرد و یک زن، اگر با هم ازدواج کنند، خانواده به حساب می‌آیند.

لطفاً مفهوم «کارآمدی ساختاری» را



انسان در حکمت فاضلی تا متعالی، سیاست‌گذار و به عبارتی سیاست‌مدار و سیاست‌پذیر است. او فاعل سیاست و در عین حال قابل سیاست است. به اصطلاح هم سوژه سیاست است و هم ابژه سیاست. جامعه‌ساز و جامعه‌پذیر است. خدا جهان و انسان را آفریده و انسان جامعه و نظام سیاسی را می‌سازد. در این فرایند افراد انسانی، جماعت‌های مدنی را با اندیشه، انگیزه، اراده و تدبیر خود تأسیس می‌کنند و خودشان عضو آن هستند.

ناکارآمدی ساختاری و راهبردی، نقدی‌نگی از تولید به تقاضا رفته و کالاهای مصرفی مثل زمین، مسکن، خودرو و حتی ارز را سرمایه‌ای کرده و کشور وارد رکود تورمی جدی و خطرناکی شده است. دشمن نیز با تهدید و تحریم، با هدف فروپاشی و فلج‌سازی، بر موج تشدید آن سوار شده است. فاجعه کرونا و خشک‌سالی‌ها نیز مزید بر علت شد. ایران دچار فشار حداکثری شد، اما برپا ماند و توانست میزان رشد را تا حدود ۲/۲ درصد برساند و تورم را که پیش‌تر زیر ۱۰ درصد آورده بود، هم‌اینک دوباره به زیر ۴۰ درصد کاهش بدهد. این نهاد با دولت‌سازی کارآمد، به تریبی که در بالا اشاره شد، قابل و لازم حل است.

با عنایت به آموزه‌های حکمت سیاسی  متعالیه ناکارآمدی دولت‌های پس از انقلاب در چه اموری ریشه دارد؟ چه راهکارهایی برای آن متصور است؟


توضیح دهید و آیا در فرایند دولت‌سازی کارآمد، اهمیت تعالی کارگزاران بیشتر است یا ارتقای ساختارها؟

نخست‌اینکه:

الف) کارآمدی زیرساختی یا زیرساخت کارآمد، رسایی و سازواری ارزش‌های انسانی، بینش توحیدی اسلامی و منش ملی ایرانی است؛

ب) ساختار کارآمدی یا کارآمدی ساختاری (کنشی) ۱. رسایی و سازواری ساختار قانونمندی یا قانونی کشور از قانون‌گذاری قانون‌داری تا قانون‌مداری است؛ ۲. رسایی و سازواری سازمان اداری فرابخشی تا سازمان‌بخشی اجرایی کشور که تحت‌عنوان تدابیر^۳ در مبدأ و معاد آمده است. ج) کارآمدی راهبردی ساختاری یا ساختاری راهبردی، رسایی و سازواری سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت و اعمال آن‌هاست.

دوم اینکه کارگزاران از ریاست اول، مدیریت‌های میانی، پایین تا جزء صفی و نیروهای انسانی، پدیدآور ساختار هستند و در عین حال در ساختارهای رسا و سازوار کارایی و کارآمدی دارند و کار می‌کنند. در تعبیر ملاصدرا^۴ و فارابی،^۵ ساختارها ارادی و تدبیری‌اند. کارگزاران نیروزا هستند. ساختارها هم‌افزا هستند. رابطه و نسبت کارگزاران و ساختارها، تداول (متقابل) و متزاید (هم‌افزایی) است. کارگزاران مؤسس، سنت‌گذار و ساختارساز هستند. کارگزاران تابع و جان‌نشین‌اند و افاضل تحول‌آفرین ساختارها.

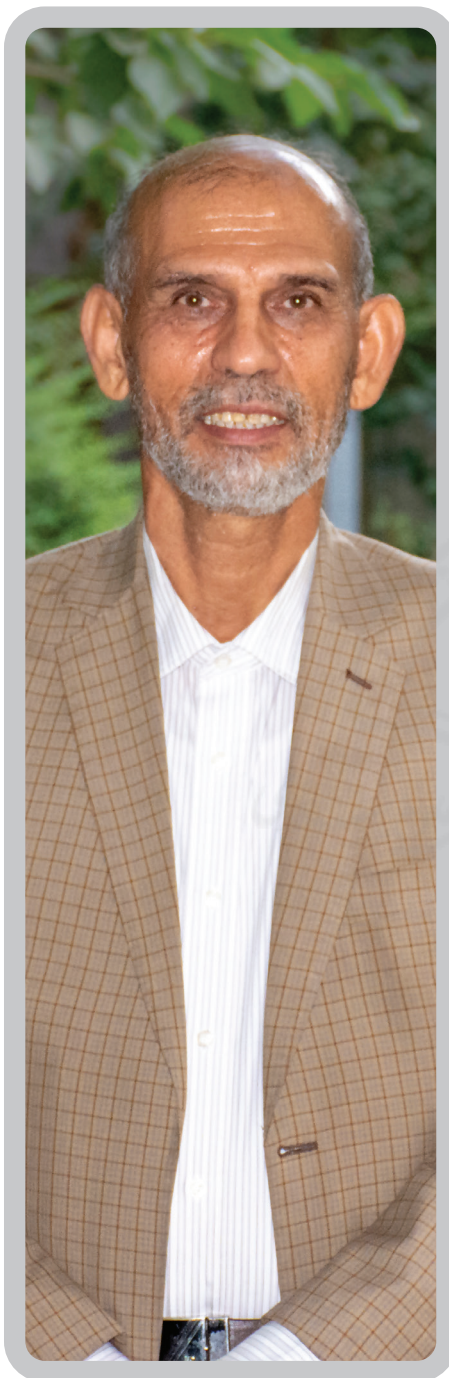
آیا می‌توان فرایند دولت‌سازی کارآمد در  گام دوم انقلاب اسلامی را بزرگ‌ترین چالش راهبرد الگوسازی اسلامی ایرانی پیشرفت دانست؟ اگر آری، چرا؟

الف) برترین چالش جمهوری اسلامی ایران در گام دوم، کارآمدی ملی است. کارآمدی دولت به‌مثابه نیرو و نهاد مدبره و محرکه به‌سان مغز یا عقل و قلب در بدن انسان است؛ به‌ویژه دولت‌سازی اسلامی کارآمدی است؛

ب) راهبرد الگوسازی اسلامی ایرانی پیشرفت است؛

ج) چشم‌انداز تمدن‌سازی نوین اسلامی است؛

در گام اول با وجود توسعه زیربنایی، تربیت نیروی انسانی و حتی تولید نقدینگی، به‌سبب کارآمدی زیرساختی و



ناکارآمدی ساختاری و راهبردی دولت‌های پس از انقلاب، البته کمابیش، غالب بوده است. به سبب نداشتن الگوی پیشرفت، دولت‌ها به جای پلکانی، پاندولی و زیگزاگی عمل کرده‌اند. این‌ها مانع کارآمدی بهینه و بسامان حداکثری بوده و شده است.

راهکارها:

الف) دولت‌سازی کارآمد، به‌ویژه ساختاری‌سازی و راهبردی‌سازی کارآمد، به ترتیبی که پیش‌تر اشاره شد؛

ب) الگوسازی پیشرفت نیز می‌تواند سبب ثبات سیر متکامل (پلکانی) دولت‌ها در کشور شود.

البته لازم‌هاش این است که جریانات روشن‌فکری از جدل بی‌پایان جمهوریت و اسلامیت فراتر روند و به نظریه‌سازی کارآمدی و پیشرفت بپردازند. همچنین جناح‌های سیاسی از جدال‌های فرصت‌سوز فراتر روند و به برنامه‌سازی و کادرسازی بپردازند و به‌ویژه باید اخلاق اسلامی را در رقابت سالم و سازنده رعایت کنند و از بی‌اخلاقی فزاینده و فراگستر و حتی فراگیر کنونی فاصله بگیرند؛ زیرا این بی‌اخلاقی‌ها اعتماد عمومی و سرمایه ملی را تهدید کرده و کارآمدی دولت و نظام جمهوری اسلامی ایران را فروکاسته است.

ناکارآمدی ساختاری و راهبردی که از علل یا زمینه‌های ناکارآمدی دولت است،

ناشی از چیست؟ آیا فرهنگ سیاسی معیوب، نفوذ اندیشه لیبرالی در دوران مشروطه و دولت‌سازی وابسته و استعماری در دوره پهلوی در این زمینه تأثیرگذار بوده است؟

بیشتر به دلیل موروثی بودن، انقلابی در آن‌ها انجام نداده‌ایم؛ برای نمونه، ساختار کمیسیون‌بندی مجلس، بیش از آنکه کاربردی و قانون‌گذاری عمومی باشد، اجرایی بوده است. هر وزارتخانه اجرایی کمابیش کمیسیونی متناظر در مجلس دارد. همین سبب بخش‌گرایی و قانون‌گذاری بخشی، بلکه گاه زیربخشی، شده و میان‌بخشی و فرابخشی نیستند که البته باید باشند.

پیش از انقلاب، دولت با بدنه کارشناسی لایحه‌های قانونی یکدستی به مجلس می‌برد. مجلس نه شکلی که به صورت محتوایی به آن‌ها می‌پرداخت و در نتیجه، یکدستی و جنبه کارشناسی قانون حفظ می‌شد، اما پس از انقلاب،

**در نظام اداری انقلاب نکرده‌ایم
و حتی حداقل تحول اداری را به
تناسب انقلاب نداده‌ایم که آن هم بر
اساس تحول نقش راهبردی، کارویژه
کارگذاری و کارکردهای سیاست‌گذاری
و سیاست‌مداری و شئون سه‌گانه
مهندسی، مدیریت و آسیب‌زدایی (و
بازمهندسی) سیاسی دولت است.**

به‌طور کامل انجام دادم. در آن طرح ششصد صفحه‌ای با تقلیل وزارتخانه‌ها به سیزده، خودگردانی استانی، مجلس خبرگان راهبردی از ترکیب مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص به‌مثابه مجلس سنا، خبرگان، اصناف و... در نظام‌های سیاسی دومجلسی، همین ساختار کمیسیون‌بندی مجلس، همه آنها آمده است.

ما هرچه را جدی گرفته‌ایم، حل کرده و پیش برده‌ایم. انقلاب، دفاع مقدس، سازندگی زیربنایی، امنیت و جبهه مقاومت و کارآمدی عجیب آن‌ها نمونه‌های بارزند، اما قانون‌گذاری، نظام اداری، سیاست‌گذاری و اعمال سیاست‌ها و رکود تئوری و فرهنگ و، یک کلام، کشورداری و کارگذاری سیاسی دولت را جدی نگرفته‌ایم. ادعاهای زیادند و البته راه‌حل هم دارند. به‌شرط جدی گرفتن و مراجعه به اهلیش که هم تخصص لازم و هم تجربه کافی داشته باشند.

**فساد اداری که مصادیقی همچون
بی‌عدالتی در گزینش کارکنان، ارتشا،
کاغذبازی، تکریم نکردن ارباب رجوع، پایین بودن
میزان کار مفید کارمندان و... دارد، تا چه میزان
نشانگر ناکارآمدی اداری در جمهوری اسلامی
ایران است؟ آیا می‌توان از «فساد سیستمی
اداری» در جمهوری اسلامی سخن گفت؟ علل
بروز این مشکل و راهکار حل آن چیست؟**

مجلس شورای اسلامی نه در قالب جناح‌ها و با مطالعه و برنامه‌ریزی شده جامع که شخصی، محلی، باندی و... در لایحه‌ها تصرف ماهوی کرده است که در نتیجه، مصوبه‌ای که از مجلس جان سالم به در می‌برد و خارج می‌شود، جگر زلیخاست؛ چهل تکه شده و شترگا و پلنگ است.

منتسکیو، که برای نخستین بار پیشنهاد مجلس را در مبحث تفکیک قوای سه‌گانه داد، می‌گوید مجلس در ماه یک جلسه داشته باشد و بقیه ماه را بر حسن اجرای قانون و امور نظارت کند. مجلس ما، مثل اداره، هر روز از صبح تا عصر و بعضی وقت‌ها، مثل ایام تصویب بودجه، سه شیفت فعالیت می‌کند؛ مانند کارخانه تولید قانون. تعدد و تعارض قانونی دمار از روزگار کشور درآورده است. مجلس فرانسه در حدود سیصد سال، دوهزاروششصد قانون یکدست و مکمل تولید کرده است. ما طی چهل سال گام اول، دوازده‌هزاروششصد قانون متعارض تولید کرده‌ایم که نیاز به تنقیح دارد تا تعارض قوانین و نیز خلأ قانونی مشخص شود. نرم‌افزار آن هم موجود، اما جدی نمی‌گیریم. نیاز است به‌جای بیش از بیست کمیسیون ناهماهنگ، سه کمیسیون توسعه اقتصادی، تعادل سیاسی و تعالی فرهنگی داشته باشیم تا از بخش‌گرایایی‌هایی که موجب ناکارآمدی می‌شوند، جلوگیری کنیم.

در نظام اداری انقلاب نکرده‌ایم و حتی حداقل تحول اداری را به تناسب انقلاب نداده‌ایم که آن هم بر اساس تحول نقش راهبردی، کارویژه کارگذاری و کارکردهای سیاست‌گذاری و سیاست‌مداری و شئون سه‌گانه مهندسی، مدیریت و آسیب‌زدایی (و بازمهندسی) سیاسی دولت است. تغییرات سازمان اداری کشور، غالباً وصله بر پینه دوختن و تجزیه و ترکیب و کم‌وزیادسازی وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و نهادهای اجرایی بوده است. این را می‌بایست و می‌توان انجام داد.

بنده اهم این مطالب را طی چندین جلسه کارآمدسازی جمهوری اسلامی ایران در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ارائه داده‌ام که ظاهرأ در جریان انتشار است. مجلس، طی برنامه پنج‌ساله چهارم از دولت آقای احمدی‌نژاد خواسته بود که سازمان نوین و کارآمد اداری کشور را ترسیم و جهت تصویب به مجلس تقدیم کند. این امر از طرف مرکز پژوهش‌های مجلس به بنده واگذار شد و من آن را

ناکارآمدی شده‌ایم که در نتیجه، به رکود تورمی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جدی و خطرناکی دچار شده‌ایم. اشکال این است که هر شخص و نهادی از خودش سلب مسؤلیت می‌کند و مدعی مصونیت خود است؛ حال اینکه همه ما مختص سرنشینان یک کشتی هستیم که یا با هم به ساحل نجات می‌رسیم یا همه آسیب می‌بینیم و در معرض غرق و هلاکت قرار می‌گیریم.

جریانات روشن‌فکری دانشگاهی و حوزوی ما همچنان به‌صورت فزاینده و فراگستری گرفتار چاه ویل جدال پایان‌ناپذیر چهل سال گذشته جمهوریت و اسلامیت‌اند؛ بدون اینکه به نظریه‌سازی پیشرفت، کارآمدی، عدالت اجتماعی، آزادی سیاسی، دولت و به مسائلی مانند این‌ها بپردازند که البته ظرفیت آن را نیز دارند. جناح‌های سیاسی کشور، به‌جای برنامه‌سازی، کادرسازی و رقابت سالم و هم‌افزای فرصت‌ساز، درگیر جدال‌های فرصت‌سوز و تخریب‌همدیگر هستند. یکی با ادعای آزادی دیگری را به ارتجاع، تحجر، واپس‌گرایی و... متهم می‌کند؛ دیگری با دغدغه استقلال؛ آن یکی را به غرب‌گرایی، دیگراندیشی و بریدگی، ریزش، وابستگی، خودباختگی و حتی خودفروختگی و اخیراً با عناوین نفوذی و جاسوس متهم می‌کند. این‌ها، همه، مانع و مخل کارآمدی هستند و عامل و بلکه علت ناکارآمدی‌اند، به‌گونه‌ای که پهباد فوق‌پیشرفته دشمن را رصد و رهگیری کرده، اما از نظارت و کنترل چند تا کامیون مرغ و خیار و گوجه، ناتوان و درمانده‌ایم. اقتصاد در دست بنگاهداران است؛ دولت هیچ‌کاره است. مسکن، خودرو، سیاست و... گرفتار فرصت‌طلبان نان‌به‌نرخ‌روزخور است. فرهنگ بدون متولی رها شده و مبتلا به انواع مشکلات است؛ دریغ از یک امر به معروف و یک نهی از منکر، مگر در مجادلات جناحی. مختص این دولت و آن دولت و این شخص و آن شخص مسئول و مثلاً فلان رئیس‌جمهور و فلان وزیر یا مدیر نیز نیست. هر سال می‌گوییم امسال دریغ از پارسال!

ناکارآمدی دولت‌های پس از انقلاب تا چه میزان مربوط به برنامه نداشتن یا نبودن

نیروی انسانی کارآمد است؟

ما در برنامه مشکل جدی داریم و به عبارتی می‌توان گفت

فساد همان نارسایی، ناسازواری، نبود بهره‌وری بهینه و نداشتن اثربخشی بسامان است. مواردی که در پرسش اشاره کردید، از عوامل و علل فساد یا از اجزا و عناصر فساد یا پیامدها و آثار آن هستند. در پاسخ‌های پیشین، راه‌حل و پیشنهادات اصلاحی، تکمیلی و جایگزین را عرض کردم. برخورد علمی، کاربردی، راهبردی (بنیادین، جامع، نظام‌مند و هدفمند) و نرم‌افزارانه راه برون‌رفت، اصلاح و بلکه تحول و حتی انقلاب اداری است. مبحث کارآمدی را که من ارائه کرده‌ام و طرح مهندسی راهبردی ساختاری اداری جمهوری اسلامی ایران که ترسیم نمودم و به مرکز پژوهش‌های مجلس تقدیم داشتم، بهترین مرجع است.

گفته می‌شود جمهوری اسلامی در برخی از زمینه‌ها همچون ابعاد علمی

(نانوتکنولوژی، سلول‌های بنیادین و...) و دفاعی (موشک‌های نقطه‌زن، قدرت پهبادی و...) کارآمد بوده، اما در حوزه اقتصاد و فرهنگ (مثلاً آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی که رهبر انقلاب در سفر به خراسان شمالی در قالب ۲۰ پرسش مطرح کردند) کارآمدی مطلوب نداشته است. این ادعا را چطور ارزیابی می‌کنید؟

هرچه را جدی گرفته‌ایم، حل کرده‌ایم؛ از جمله در اصل پیروزی انقلاب بی‌بدیل اسلامی در زمانی که پایان دین، پایان انقلاب و پایان تاریخ خوانده می‌شد. همچنین تأسیس نظام سیاسی بدیع و بدون الگوی مشابه، نهادسازی مثل جهاد سازندگی، سپاه، بسیج و... که کاملاً کارآمدی خود را نشان داده‌اند، مدیریت دفاع مقدس به‌مثابه جنگ جهانی سوم که با عزتمندی و به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای از آن خارج شدیم و سازندگی زیربنایی کشور. ما این قبیل امور مهم را جدی گرفته و حل کرده‌ایم. نیز مسئله امنیت و ضرورت تقویت جبهه مقاومت را جدی گرفته و به صورت کارآمد رهبری و مدیریت کرده‌ایم. در بسیاری از‌های تک‌ها، یعنی تکنولوژی‌ها و فناوری‌های پیشرفته و برتر نیز این مسئله صادق است که البته بسیار بیش از این‌ها ظرفیت نیز وجود دارد، اما در اموری مثل توسعه اقتصادی، تعادل سیاسی و تعالی فرهنگی، معنوی و اخلاقی که علی‌رغم ادعای زیاد، جدی نگرفته و راهبری و مدیریت نکرده‌ایم و مبتلا به

**جریانات روشن فکری دانشگاهی
و حوزوی ما همچنان به صورت
فزاینده و فراگستری گرفتار چاه ویل
جدال پایان ناپذیر چهل سال گذشته
جمهوریت و اسلامیت اند؛ بدون اینکه
به نظریه سازی پیشرفت، کار آمدی،
عدالت اجتماعی، آزادی سیاسی، دولت
و به مسائلی مانند این‌ها بپردازند.**

نیست. اگر وارد کار اجرایی شود، هم به ضرر اجرا، هم به ضرر خودش و هم به ضرر علم است. ویژگی چهارم این است که منسجم باشد؛ یعنی با دیگران هماهنگ باشد. برای مثال اگر باد یکی از چرخ‌های ماشین بیشتر باشد، مجبور هستید باد آن را کمتر کنید؛ زیرا در غیر این صورت ماشین واژگون می‌شود و حادثه می‌آفریند. در حوزه مدیریت نیز مدیران باید با هم هماهنگ باشند. گاهی افرادی را می‌آوریم که چون با همدیگر انسجام ندارند، وسط کار می‌مانند. سازمان برنامه با وزارت اقتصاد، وزارت اقتصاد با دارایی و دارایی با کشاورزی منسجم و هماهنگ نیست، چه می‌شود؟ گرفتار می‌شویم. گرفتاری‌های ما دقیقاً به همین علت است.

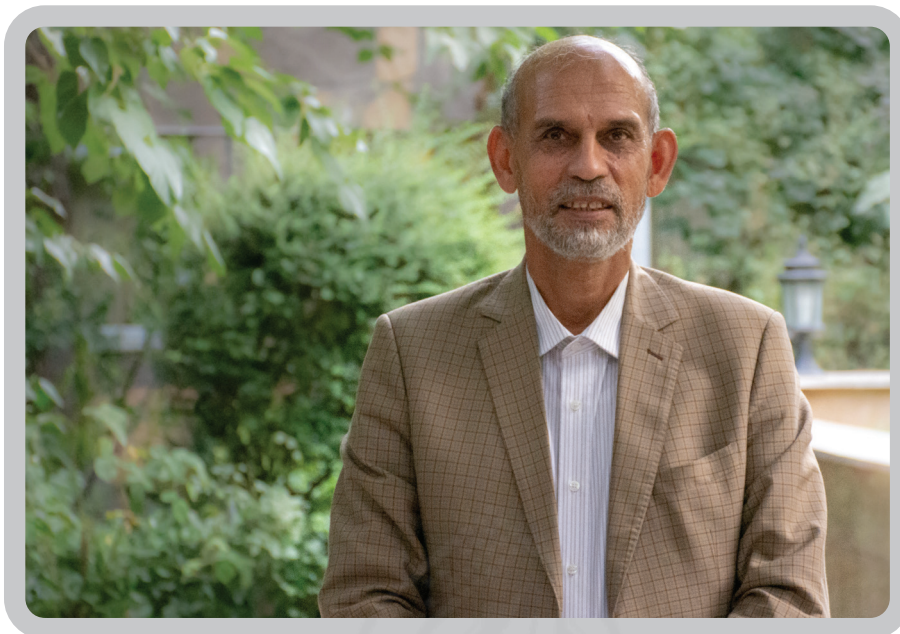
دولت باید معمار باشد، ستادی عمل کند و نگاهی جامع، بنیادین، نظام مند و هدفمند داشته باشد که در این صورت اشکالات موجود حتی اگر نگران کننده باشد اما ناامیدکننده نیست بلکه حل شدنی است. اشکالاتی که بدان اشاره کردم ریشه در ناکارآمدی ساختاری دارند. باید مواظب باشیم و افراط و تفریط را کنار بگذاریم، مسائل را واقع بینانه نگاه کنیم. در این صورت می‌توانیم مشکلات را کاملاً مهار کنیم. کشور مشکلاتی مانند سرما خوردگی دارد، نه بیماری سل

اصلاً برنامه‌ای نداریم. آیا دولت می‌تواند ۱۰ خط از برنامه‌های خود را بگوید؟ دولت‌ها در برنامه نویسی توانمند نیستند. در دنیا جناح‌ها هستند که برنامه تولید می‌کنند. برنامه نباید در مدت کوتاه یک روز، دو روز و ۱۰ روز تولید شود، بلکه چندین سال کار لازم است. ما برنامه نداریم و اتخاذ و اجرای تصمیم‌های بیشتر شخصی است. به این دولت هم اختصاصی ندارد؛ دولت قبلی نیز همین طور بود. تولید برنامه و کادر سازی نمی‌کنیم.

آیا قهرمان رالی یا اتومبیل رانی دنیا می‌تواند مثلاً خلبان هواپیما شود؟ ما استاد برتر شیمی را در پست وزارت علوم منصوب می‌کنیم. مثل این است که انیشتین را در کارگاه تولید انرژی اتمی مشغول به کار کنیم. آیا می‌تواند مدیریت کند؟ خیر. مدیریت غیر از دانشمندی است. حتی انیشتین به علت ذهن نظری اش، نمی‌تواند کارگاه انرژی اتمی را مدیریت کند. آیا سازنده هواپیما خلبان خوبی هم هست؟ آیا نیاز است خلبان، مکانیک درجه یک هواپیما باشد؟ خیر نیاز نیست؛ چون مکانیک، تیم فنی جداگانه دارد. راننده خوب بودن غیر از مکانیک خوب بودن است. ممکن است کسی مکانیک خوبی باشد، ولی راننده خوبی نباشد. همچنین ممکن است راننده خوبی باشد، اما مکانیک نباشد.

انسان متفکر ضرورتاً مدیر کارآمدی نیست. اگر کسی متفکر خوبی است، باید برود دانشگاه. لازم نیست مدیر خوب، متفکر نیز باشد، بلکه باید چهار ویژگی تخصص، تجربه، تناسب و انسجام داشته باشد. ما مدیر متخصص می‌خواهیم. چنان‌که از قول دختران حضرت شعیب نقل شده است، کارگزار باید قوی و امین باشد. منظور از قوی و امین این است که علیم و عملی باشد، یعنی متخصص آن رشته و باتجربه باشد؛ مثلاً کسی که پیش‌تر معاون وزیر بوده است، اکنون وزیر بشود، نه اینکه یک نفر را به یک‌باره وزیر کنیم. معلوم است تا بخواهد پیچ و خم‌های وزارت را یاد بگیرد دوره تمام شده است.

سومین ویژگی مدیر خوب این است که بین تخصص و حیطه مدیریت او تناسب باشد. اشکال ندارد که مثلاً وزیر بهداشت مهندس باشد، اما باید مدیر درمانی باشد. آیا مهندس می‌تواند جراحی کند؟ اصلاً انیشتین می‌تواند جراحی کند؟ تخصص انیشتین چه ربطی به جراحی دارد؟ انیشتین متخصص در امور اتمی است و در اجرا معرب



ارتقای کارآمدی متعالی دولت در ایران داشته باشند؟

ریشه مشکلات کشور نابسامانی نهاد علم، اعم از پژوهش، آموزش و اطلاع‌رسانی است. در حوزه عمل، مدیریت ما علمی نیست. برخورد‌های ما به‌جای اینکه راهبردی (بنیادین، جامع، نظام‌مند و هدفمند)، نرم‌افزاری، دانش‌بنیان و فکر‌بنیان باشد، غیر راهبردی و سخت و نیمه‌سخت‌افزاری است که البته حرکت‌ها و پیشرفت‌هایی داشته‌ایم، اما نسبت به ظرفیت کشور، ضرورت انقلاب و زمینه‌سازی‌های نظام جمهوری اسلامی کم بوده است و به اقدامات بیشتری نیاز داریم. حوزه‌های علمیه در نظریه‌سازی راهبردی در زمینه کارآمدی، پیشرفت، عدالت و معنویت مدنی ظرفیت زیادی دارند؛ اما ضروری است به نیازهای روزآمد انقلاب، نظام و کشور، همانند حکمت سیاسی، کلام سیاسی، فقه سیاسی و اخلاق سیاسی، نیز بپردازد. گسست و فقدان تعامل سه‌جانبه دانشگاه، دولت و صنعت در تولید دانش و تربیت کارشناسان متناسب، قانون، کار، کالا و خدمات همچنان چالش خیز بوده و کارآمدی ملی و دولتی را، آن‌گونه که بایسته و شایسته است، تأمین نمی‌کند. برای حل مشکلات در این حوزه، پیش و بیش از هرچیز،

یا سرطان. خوشبختانه به تدریج و با نگاه متعالی می‌توانیم این‌ها را حل کنیم، اگر نسبت به همین سرماخوردگی بی‌توجه باشیم، تبدیل به ذات‌الریه می‌شود و آنگاه ممکن است گذشته باشد. باید نگران باشیم، اما ناامید نباشیم که البته نیستیم. ان‌شاء‌الله مشکلات با این نگاه حل خواهد شد.

با توجه به توضیحات پیشین، اکنون و در گام دوم انقلاب اسلامی به‌منظور رسیدن به دولت متعالیه کارآمد، نقطه شروع دولت‌سازی کارآمد کجاست؟

نقطه شروع را می‌توان کارگزاری‌سازی دولت دانست که خود سه مرحله دارد:

۱. قانونمندی: (الف) قانون‌گذاری و قانون‌داری رسا و سازور؛ (ب) قانون‌مداری شایسته؛
۲. سازمان‌داری کارآمد؛
۳. سیاست‌گذاری رسا و سازوار پایدار.

با نگاهی آسیب‌شناسانه نقش نظام آموزشی کشور اعم از حوزه و دانشگاه را در وضعیت ناکارآمدی فعلی چگونه ارزیابی می‌کنید؟ این دو نهاد باید چه نقشی در فرایند

تبلیغات علمی، کاربردی، راهبردی و نرم‌افزاری تا معنایی و معنوی، بایستی فعال و پیشرو باشد. تبلیغ فراتر از ابلاغ پیام یا به گوش مخاطب رساندن از طریق پیام‌رسان است. به بلوغ رساندن به معنای رشیدسازی مخاطب است. تبلیغ رساندن مطلب به مخاطب نیست، بلکه رساندن مخاطب به مطلب است.

امر به معروف کنند، باید ستاد بگذارد. اصلاً کلمه ستاد را برای اشاره به کارکرد سازمانی به کار می‌بریم. اگر دولت واقعاً کارکرد ستادی پیدا کند، آنگاه معماری می‌کند. خود دولت قرار نیست در معماری کاری کند و به بودجه آن چنانی نیاز نیست. حالا فرض کنید با این بودجه فیلم بسازیم. چه اتفاقی می‌افتد؟ نگاه ما به دولت و حکومت باید نگاه «معمار» باشد؛ معمار فرهنگی، معمار محیط‌زیست، معمار اقتصادی، معمار سیاسی. نباید خود دولت امر به معروف کند. حتی خودش نباید احیا کند؛ مثلاً در زمان جنگ، ارتش و سپاه جنگیدند؟ نه. مردم جنگیدند. ارتش و سپاه چه کار کردند؟ همان کاری را انجام دادند که حضرت امام فرمود؛ معماری جبهه و جنگ. اگر مدل معماری در حوزه فرهنگ و هنر بیاید، اصلاً بحث بودجه مطرح نخواهد شد.

مشکل ما هرگز بودجه نیست؛ بلکه ساختاری و برنامه‌ای است. اتفاقاً خیلی وقت‌ها چون پول زیاد داریم، مشکل پیدا می‌کنیم. بزرگ‌ترین گرفتاری کشور این است که برنامه‌ها بودجه‌ای هستند؛ در حالی که باید بودجه‌ها برنامه‌ای باشد. یعنی چه؟ ما باید بگوییم چه کارای می‌خواهیم انجام دهیم و برنامه ما چیست. بعد ببینیم چه منابع که بالفعل و بالقوه

نیازمند نگاه توحیدی، نظریه مدنی و نظام علمی روزآمد و کارآمد، رهیافت راهبردی و راهبرد علمی جدیدی هستیم. نگاه، نظریه و نظام راهبردی در علوم و فنون توسعه و تأمین آسایش (علوم پایه، مهندسی و سلامت)، علوم و فنون راهبردی و کارآمدسازی ملی (حقوق، مدیریت و سیاست) و علوم و فنون تعالی فرهنگی، معنوی و اخلاقی تضمین بخش آرامش باطنی مدنی (علوم انسانی) است.

نهادهایی همچون سازمان تبلیغات اسلامی و مساجد در کشور اسلامی چه جایگاه بایسته‌ای در کارآمدسازی دولت متعالیه دارند؟ آیا اکنون این نقش را ایفا می‌کنند؟

امروزه سازمان تبلیغات اسلامی و مساجد، به هیچ‌وجه آن کارآمدی شایسته در نظام انقلابی جمهوری اسلامی ایران را ندارند؛ در حالی که بارویکرد توحیدی اسلامی، رهیافت انقلابی و راهبرد پیشرفت، به‌ویژه در گام دوم با چالش دولت‌سازی اسلامی صددرصد می‌توانند نقش داشته باشند.

تبلیغات علمی، کاربردی، راهبردی و نرم‌افزاری تا معنایی و معنوی، بایستی فعال و پیشرو باشد. تبلیغ فراتر از ابلاغ پیام یا به گوش مخاطب رساندن از طریق پیام‌رسان است. به بلوغ رساندن به معنای رشیدسازی مخاطب است. تبلیغ رساندن مطلب به مخاطب نیست، بلکه رساندن مخاطب به مطلب است. دست‌کم، رساندن مطلب نه به گوش مخاطب که به هوش اوست. بی‌گمان چنین تبلیغ، مسجد و آموزشی کارآمد، فعال، سازنده و پویاست و سبب زایایی، پویایی و پایایی می‌شود.

برخی معتقدند که برای ارتقای کارآمدی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می‌توان بودجه نهادهایی همچون ستاد احیای امر به معروف را صرف ساختن چند فیلم مؤثر کرد که دربردارنده سکانس‌های مؤثر در حوزه عفاف و حجاب باشد، یا چند سکانس را در سریال‌های پربیننده، مثل پایتخت، گنجانید. این پیشنهاد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مشکل مملکت برنامه است، نه بودجه. دولت برای اینکه

که خودش انجام دهد. خودش نباید امر به معروف کند، بلکه باید کمک و حمایت کند. همان چهار کاری که در نقش قرارگاه عرض کردم. حمایت کند که فیلم‌ها تولید شود. متأسفانه یا خودشان می‌خواهند انجام دهند یا کلاً رها می‌کنند. معمار چه می‌کند؟ آیا دست به سیاه و سفید می‌زند؟ آیا تیشه به دست می‌گیرد؟ خیر. طرح عادی و نقشه ساختمان را می‌دهد، سپس سازمان‌دهی، بسیج و آسیب‌شناسی می‌کند.

مشکل ما ستاد امر به معروف نیست بلکه مشکل ما نگاه است. من و شما هم در این ستاد باشیم همین کارها را می‌کنیم. بودجه داشته باشیم یا نداشته باشیم. اتفاقاً هر قدر بودجه بیشتری داشته باشیم، بدتر عمل می‌کنیم. فکر می‌کنیم خودمان باید انجام دهیم؛ یعنی خودمان پول بدهیم فیلم تولید کنیم. چرا باید فیلم تولید کنیم؟ تولید فیلم مشخص است، اما ما باید چه کار کنیم؟ همان که عرض کردم ما باید آموزش بدهیم و بسیج، سازمان‌دهی، مدیریت و آسیب‌شناسی کنیم، ولی این کارها را نمی‌کنیم؛ بنابراین، نگاه باید به این طرف برود که این ستادها، مثلاً ستاد امر به معروف و نهی از منکر، واقعاً ستاد شود؛ زیرا کار ستاد این است که موانع را بردارد و شرایط را فراهم کند که در این صورت به‌طور طبیعی امر به معروف جاری می‌شود. منظور از امر به معروف در اینجا نه امر کردن، بلکه جاری ساختن، مهندسی، مدیریت و آسیب‌شناسی است؛ هدایت و حمایت این جریان ارزشی در جامعه است. در این صورت نه ضد ارزشها بلکه ارزش‌ها رشد پیدا می‌کند؛ بنابراین، اگر ستاد تشکیل دهد، چون خودش کاری نمی‌کند، بودجه آن‌چنانی نیاز ندارد. ما فکر می‌کنیم بودجه برای این است که خودش تولید کند؛ بنابراین، اگر این مسئله را در کشور جدی بگیریم که راحت‌ترین است، اتفاقاً بودجه نیاز نداریم. ما در ستاد به افرادی نیاز داریم که نگاه راهبردی و بنیادین و توان بسیجی داشته باشند؛ همان گونه که امام توانست همه را بسیج کند.

پیش از انقلاب، چون مردم دولت را متولی نمی‌دانستند، خودشان امر به معروف می‌کردند. اکنون درست می‌گویند؛ وظیفه دولت است. دولت هم می‌گوید شما کار نداشته باشید. نتیجه‌اش چه می‌شود؟ به پارک‌ها و تفرجگاه‌ها سر بزنید: دختر و پسر و قلیان و... این‌ها همه نمود است.

و چه امکاناتی داریم. متأسفانه نگاه برنامه‌ای به بودجه می‌شود. اول ببینیم می‌خواهیم چه کاری انجام دهیم، بعد ببینیم چه داریم. ما اکنون نگاه می‌کنیم که چه داریم تا ببینیم چه کار می‌توانیم بکنیم.

امروزه اصلاً مزیت را در نظر نمی‌گیریم. فقط امکانات بالفعل را توجه می‌کنیم و دیگر کاری به امکانات بالقوه نداریم. ما امکانات بالقوه زیادی در حوزه نیروی انسانی، طبیعی، ابزاری، مالی و مانند این‌ها داریم. استفاده از تمامی امکانات منوط به این است که دولت معمار باشد. پیش‌تر گفتیم دولت متعالی معمار پیشرفت کشور است. امام فرمود: اگر مردم به جبهه نروند، ارتش و سپاه به‌تنهایی نمی‌توانند کاری کنند و اگر مردم همین طوری به جبهه بروند، فساد و هرج و مرج ایجاد می‌شود. در مسئله محیط‌زیست نیز همین گونه نگاه کنید. به جای اینکه پیشرفت کنیم، عقب می‌رویم. می‌خواهیم محیط‌زیست را حفظ کنیم، برعکس، ضد محیط‌زیست عمل می‌کنیم. امام به سپاه و ارتش دستور داد قرارگاه بزنند و به مردم گفت به جبهه بروند.

قرارگاه که نقش معماری را عهده‌دار است، چهار کار انجام می‌دهد:

۱. آموزش مردم در حوزه‌های مختلف نظامی، زیست‌محیطی و...؛
۲. سازمان‌دهی مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد (اگر سازمان‌دهی نباشد، هرج و مرج می‌شود)؛
۳. تسلیح، مجهز و حمایت کردن از آن‌ها؛
۴. فرماندهی و معماری.

امروزه مشکل ما در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی این است که دولت یا همه‌کاره است یا هیچ‌کاره. منظور از دولت فقط قوه مجریه نیست، بلکه شامل مجلس، قوه قضائیه و رهبری نیز می‌شود. یا همه‌چیز را از رهبری نیاز داریم یا کار خودمان را می‌کنیم. رهبری نظام است و هر چه بگوید باید انجام شود. بیانات او سخنرانی نیست؛ سیاست و راهبرد است. این‌ها حتی رهنمود نیستند. رهنمود را علما و مراجع، همچون علامه جوادی آملی می‌دهند. رهبری راهبرد می‌دهد. حتی درس تفسیر او تفسیر راهبردی است. راهبردهای تفسیری هستند. در درس فقه راهبردهای فقهی می‌دهد. این‌ها برای اداره کشور است. اما چه کسی گوش می‌دهد؟ ما در ساختار مشکل داریم. یا دولت را همه‌کاره می‌دانیم یا هیچ‌کاره. ستاد این نیست

مشکل ما ستاد امر به معروف نیست بلکه مشکل ما نگاه است. من و شما هم در این ستاد باشیم همین کارها را می‌کنیم. بودجه داشته باشیم یا نداشته باشیم. اتفاقاً هر قدر بودجه بیشتری داشته باشیم، بدتر عمل می‌کنیم.

و اجزای مدینه [...] ارادی است». ملاصدرا، ۱۳۵۴، صص ۵۶۰-۵۶۲.

۱۵. «اجزای مدینه گرچه طبیعی بوند، بلکه هیئت و ملکاتی که به واسطه آن‌ها افراد کارهای مدنی را انجام می‌دهند، طبیعی نیست و بلکه ارادی است». فارابی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۸.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. جامی، عبدالرحمان، ۱۳۸۵، مثنوی هفت اورنگ، ویرایش مرتضی مدرس گیلانی، تهران: اهورا.
۳. طوسی، نصیرالدین، ۱۳۹۱، اخلاق ناصری، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران: خوارزمی.
۴. فارابی، محمد، ۱۳۷۹، اندیشه‌های اهل مدینه فاضله، ترجمه سید جعفر سجادی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. _____، ۱۹۹۵م، تحصیل السعاده، بیروت: مکتبه الهلال.
۶. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، ۱۳۵۴، المبدأ والمعاد، تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
۷. _____، ۱۳۶۸، الحکمه المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأریعه، قم: مکتبه المصطفوی.
۸. مولوی، ۱۳۹۳، مثنوی معنوی، با مقدمه بدیع الزمان فروزانفر، تهران: ثالث.

همه آنها نیروهایی بودند که می‌توانستند به جبهه بروند، اما در عمل این گونه می‌شود. چرا؟ شما نه انگیزه دارید و نه جرئت اینکه امر به معروف کنید. چه کسی از شما حمایت می‌کند؟ سریعاً می‌گویند به تو چه! قبلاً اصلاً این گونه نبود. اگر دولت و حاکمیت معماری کند، همه نهادهای زیرمجموعه‌اش همین کار را می‌کنند. هرکس این کاره نباشد، اصلاً روی کار نمی‌آید یا کلاً برکنار می‌شود؛ لذا در فرایند معماری باید این را در جامعه مهندسی کنیم که امر به معروف جریان‌سازی شود. امر به معروف را باید جامعه انجام دهد. ستاد برای همین است، سازمان نیست. این نگاه سازمانی و به عهده گرفتن مسئولیت‌ها در همه حوزه‌های موضوعی زیست‌محیطی، اقتصاد، سیاست و فرهنگ جاری است. متأسفانه اغلب ستادها سازمان شده‌اند. باید در حوزه فرهنگی بودجه را به فیلم‌ساز بدهیم، نه اینکه خودمان فیلم بسازیم. ■

پی‌نوشت

۱. نگر: فارابی، ۱۹۹۵م.
۲. طوسی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۴.
۳. طوسی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۹.
۴. طوسی، ۱۳۹۱، ص ۳۰۹.
۵. ر.ک: جامی، ۱۳۸۵، سبحة الأبرار، بخش ۱۹.
۶. یعنی «بگو هرکس طبق روش [و خلق و خوی] خود عمل می‌کند».
۷. مولوی، ۱۳۹۳، دفتر ششم، بخش یکم.
۸. یعنی «و برای خدا نام‌های نیک است؛ خدا را به آن [نام‌ها] بخوانید».
۹. مولوی، ۱۳۹۳، دفتر چهارم، بخش دوم.
۱۰. ملاصدرا، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۵۱۴.
۱۱. نگر: توحید مفضل، ترجمه محمدباقر مجلسی.
۱۲. خصلت فرابردی دولت بدین معناست که جامعه را از وضع موجود به وضع مطلوب فراببرد.

13. Administration.

۱۴. «خیر افضل و کمال اقصى [...] مدینه فاضله به بدن تام صحیحی [...] اجزای مدینه به خسل! طرت و طبایع [...] این قدر هست که اعضای بدن طبیعی‌اند [...]»